



دانشگاه پیام نور

دانشکده حقوق

گروه حقوق خصوصی

عنوان پایان نامه

بررسی فقهی و حقوقی رابطه حقوق انسان بر اعضای بدن

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق خصوصی

مؤلف

جواد وارسته شاکری

استاد راهنما

دکتر حسین امیر آبادی

۱۳۸۸

دانشگاه پیام نور

دانشکده حقوق

گروه حقوق خصوصی

عنوان پایان نامه

بررسی فقهی و حقوقی رابطه حقوق انسان بر اعضای بدن

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق خصوصی

مؤلف

جواد وارسته شاکری

استاد راهنما

دکتر امیرحسین آبادی

استاد مشاور

دکتر منصور امینی

۱۳۸۸

سپاس و امتنان بی شمار

از استادان ارجمندی که در دانش اندوزی و تحصیل من نقش داشته‌اند؛ به ویژه استاد راهنما، اندیشمند گرانمایه، جناب دکتر امیر حسین آبادی و همچنین استاد مشاور، فرهیخته ارجمند، جناب دکتر منصور امینی که این پایان‌نامه، ثمره راهنمایی‌های سودمند و ارزنده ایشان است.

و قدردانی بی پایان

از پدر و مادر عزیزم که همیشه راهنما و مشوق من بوده‌اند.
و از خانواده‌ی مهربانم که با شکیبایی و بردباری خویش، زمینه‌ی انجام این تحقیق را برایم فراهم کرد.

نام خانوادگی دانشجو: وارسته شاکری	نام: جواد
استاد راهنما: دکتر امیر حسین آبادی	استاد مشاور: دکتر منصور امینی
مقطع: کارشناسی ارشد	رشته: حقوق
مقوع: کارشناسی ارشد	گرایش: حقوق خصوصی
تعداد صفحات:	تاریخ فارغ التحصیلی:
عنوان پایان نامه: بررسی فقهی - حقوقی رابطه حقوق انسان با اعضای بدن	
کلید واژه‌ها [وضعیت حقوقی، رابطه حقوقی، مالکیت، حق انتفاع، حق ارتفاق، اعضای اصلی، اعضای فرعی، وصیت، ارث، پیوند اعضا].	

چکیده:

پیشرفت دانش پزشکی در ابعاد مختلف، زندگی بشر را با تحولات گسترده‌ای رو به رو ساخته است. پیشرفتهای این دانش در شیوه‌های نوین جداسازی و پیوند اعضای بدن انسان، گستره‌هایی را فراهم آورده است تا از نظر پزشکی، مشکل بیماران نقص عضوی و معیوب حل شود؛ امّا به موازات این توانایی، مسائل پیچیده و جدید دیگری در رشته‌های علوم انسانی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، فقه و حقوق نسبت به وضعیت حقوقی اعضا و همچنین رابطه انسان با اعضای بدن خویش مطرح می‌شود که ضرورت دارد تا دانشهای مزبور به آنها پردازند و آثار استفاده از این روشها را بر پایه مبانی خود مطالعه و ارزیابی کنند و راهکارهای متناسب با آنها را ارائه دهند.

با توجه به استدلالهای انجام گرفته برپایه مبانی نظامهای حقوق ایران و فقه امامیه می‌توان چنین نتیجه گرفت که منشأ حقوق انسان نسبت به اعضای بدن خود یک واقعه حقوقی بنام تولد است. رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن خویش داخل در گستره مالکیت ذاتی است. اعضای بدن انسان، با توجه به امکان جداسازی و تأثیری که بر سلامت دهنده عضو دارند به دو گروه اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. اعضای اصلی به دلیل تأثیری که بر سلامت فرد دارند، در زمان حیات غیر قابل انتقال است لکن اعضای فرعی به دلیل تأثیر جزئی بر سلامت دهنده آن و با توجه به قاعده ضرورت و بحث اهم و مهم در زمان حیات قابل انتقال است. انتقال اعضای بدن میت و مبتلایان به مرگ مغزی نیز با توجه به قواعد مذکور جایز است. هرچند قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است قسمتی از ابهامات موجود را برطرف کرده است، لکن عدم پیش بینی انتقال اعضای فرعی انسان زنده ولو با مضیق کردن دایره شمول این اعضا و از طرفی خرید و فروش بدون ضابطه آن در جامعه، مشکلاتی را ایجاد کرده که رفع آن نیازمند مداخله قانونگذار است.

امضای استاد راهنما

فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱. اهمیت موضوع	۱
۲. انگیزه انتخاب موضوع	۴
۳. روش تحقیق	۴
۴. پرسشها	۵
۵. فرضیات	۷
۶. معرفی مباحث	۷
فصل اول: مفاهیم و تقسیمات	۹
۱-۱- وقایع، اعمال و روابط حقوقی	۱۰
۱-۱-۱- وقایع حقوقی	۱۱
الف) مفهوم وقایع حقوقی	۱۱
ب) اقسام	۱۲
۱. ارادی	۱۳
۲. طبیعی یا غیر ارادی	۱۳
۱-۱-۲- اعمال حقوقی	۱۴
الف- مفهوم	۱۴
ب- اقسام اعمال حقوقی	۱۵

۱۵	۱. عقود.....
۱۵	۲. ایقاعات.....
۱۶	۳-۱-۱- روابط حقوقی.....
۱۶	الف- مفهوم.....
۱۶	ب- اقسام روابط حقوقی.....
۱۷	۱. روابط حقوقی حقی.....
۱۷	۲. روابط حقوقی تکلیفی.....
۱۸	۲-۱- انسان و مفهوم آن.....
۱۸	۱-۲-۱- مفهوم.....
۲۰	۲-۲-۱- تقسیم بندیها.....
۲۱	۱. انسان و شخصیت.....
۲۳	۲. انسان و ممیزات.....
۲۴	۳. انسان و اهلیت.....
۲۷	۳-۱- منابع تأمین عضو برای پیوند.....
۲۷	۱-۳-۱- تأمین عضو از جسد.....
۲۸	۲-۳-۱- تأمین عضو از شخص زنده.....
۲۹	۳-۳-۱- تأمین عضو از مبتلایان به مرگ مغزی.....
۳۲	۴-۱- تأثیر پیوند اعضا بر سلامتی دهنده عضو.....
۳۲	۱-۴-۱- اعضای رئیسی (اصلی).....
۳۳	۲-۴-۱- اعضای غیر رئیسی (فرعی).....
۳۵	فصل دوّم: وضعیت حقوقی اعضا و رابطه حقوقی انسان با آنها.....
۳۶	۱-۲- وضعیت حقوقی اعضا.....
۳۷	۱-۱-۲- قابلیت موضوع حقّ مالی بودن اعضا.....
۳۷	الف- مفهوم.....
۳۹	ب- ادله مالیت.....
۴۰	۱. مفید بودن.....

۲. قابلیت اختصاص یافتن به شخص معین ۴۱
۳. ارزش اقتصادی ۴۳
- ۲-۱-۲- قابلیت موضوع حق غیر مالی بودن اعضا ۴۶
- الف- مفهوم ۴۶
- ب- ادله غیر مالی ۴۷
- ۲-۲- رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن ۴۸
- ۲-۲-۱- مالکیت اعضا ۵۰
- الف. اقسام و مراتب مالکیت ۵۰
۱. مالکیت حقیقی ۵۰
۲. مالکیت اعتباری ۵۱
۳. مالکیت ذاتی ۵۹
- ۲-۲-۲- حق انتفاع اعضا ۶۲
- الف- مفهوم ۶۳
- ب- اسباب و علل حق انتفاع اعضا ۶۳
۱. عقد ۶۴
۲. اذن ۶۵
- ۲-۲-۳- حق ارتفاق اعضا ۶۶
- فصل سوم: نقل و انتقال اعضا ۶۸
- ۳-۱- انتقال اعضا در زمان حیات ۷۰
- ۳-۱-۱- انتقال اعضای رئیسی (اصلی) ۷۰
- ۳-۱-۲- انتقال اعضای غیر رئیسی (فرعی) ۷۳
- بررسی حالت ضرورت ۷۴
- الف- مفهوم ۸۴
- ب- حالت ضرورت در قانون مجازات اسلامی ۷۵
- ج- اضطرار در حقوق اسلام ۷۵
- د- حیطة نفوذ حالت ضرورت ۷۷

- هـ - حالت ضرورت در امور پزشکی ۷۸
- و - اعتبار حالت ضرورت در توجیه جراحی پیوند اعضا ۷۸
- ۱-قاعده اهم و مهم و شرایط حالت ضرورت ۷۹
- ۲-نظرات حقوقدانان ۸۰
- ۳- فتاوی مراجع معاصر در مورد تأثیر حالت ضرورت در اباحه
- پیوند اعضا ۸۲
- ۲-۳- انتقال اعضا پس از مرگ ۸۳
- ۳-۲-۱- جواز یا عدم جواز انتقال اعضا پس از مرگ ۸۳
- الف - انتقال اعضای میت ۸۳
- ب - انتقال اعضای مبتلایان به مرگ مغزی ۸۵
- ۱- نظر موافقین ۸۵
- ۲- نظر مخالفین ۸۶
- ۳- استفتائات در خصوص برداشتن اعضای مبتلایان به مرگ مغزی
- ۸۸
- ۳-۲-۲- حالات انتقال اعضا پس از مرگ ۹۰
- الف - وصیت نسبت به اعضای بدن ۹۰
- ۱- مفهوم ۹۰
- ۲- ماهیت ۹۱
- ۳- شرایط صحت و نفوذ وصیت نسبت به اعضای بدن ۹۳
- ب- انتقال اعضای بدن فرد فوت شده یا مبتلا به مرگ مغزی توسط
- وراث ۹۳
- فصل چهارم : بررسی و تحلیل قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم
- است ۹۶
- ۴-۱- چکیده نظرات نمایندگان موافق ۹۷
- ۴-۲- چکیده نظرات نمایندگان مخالف ۹۸
- ۴-۳- تحلیل قانون ۹۹

نتیجه گیری	۱۰۳
مراجع	۱۰۷
پیوست ها	۱۱۴

مقدمه

۱. اهمیت موضوع

۲. انگیزه انتخاب موضوع

۳. روش تحقیق

۴. پرسشها

۵. فرضیات

۶. معرفی مباحث

پیش از آنکه به موضوع اصلی این نوشتار پرداخته شود، به نظر می‌رسد، ضرورت دارد تا برای تنویر و پیراستگی بهتر بستر بحث، به پاره‌ای از مباحث مقدماتی به اختصار اشاره شود. از این رو، مطالبی مانند اهمیت موضوع، انگیزه انتخاب آن، روش تحقیق، پرسشها، فرضیات و معرفی مباحث موضوع بحث به ترتیب زیر بیان می‌شود.

۱. اهمیت موضوع

آقای «الف» در اثر نیاز شدید اقتصادی برای تأمین معاش زندگی خانواده‌اش حاضر شده تا یکی از چشمهای خود را به شخص ثروتمندی که نابینا است، به قیمت مناسبی بفروشد و برای تحصیل اقناع وجدان، این چنین استدلال می‌کند که با این عمل و از خود گذشتگی، من و خانواده‌ام از مشکلات اقتصادی رهایی می‌یابیم و شخص ثروتمند مزبور نیز با انجام عمل جراحی پیوند چشم، بیناییش را به دست می‌آورد و از موهبت آن بهره می‌برد، اما نمی‌داند که آیا از جنبه شرعی و حقوقی نیز چنین عملی درست است یا نه.

آقای «ب» و «ج» به ترتیب چهل و پنجاه سال سن دارند و هر یک نیز دارای چند فرزند می‌باشند. این دو نفر در سانحه تصادفی دچار مرگ مغزی شده و پزشکان این موضوع را تأیید می‌کنند و بیان می‌دارند که دیگر امیدی به بازگشت دوباره آنها به زندگی ندارند.

پس از این اتفاق، شخصی که خود را نماینده شرکت خرید و فروش اعضا در کشور «پ» معرفی می‌کند، به خانواده آقای «ب» مراجعه می‌نماید. ضمن ابراز همدردی با آنها، به فرزندان آقای «ب» که اکنون ورثه وی محسوب

می‌شوند، پیشنهاد می‌کند که حاضر است، فلان مبلغ را به آنها بپردازد، به شرط آنکه آنها بر پایه قرارداد بیع با جداسازی پاره‌ای از اعضای پیکر پدرشان، برای پیوند به مشتریان شرکت وی موافقت کنند و رضایت دهند.

فرزندان آقای «ب» این پیشنهاد را فرصت مناسبی برای پول‌دار شدن می‌دانند و با یکدیگر توافق می‌کنند، به جای آنکه جسد پدرشان را دفن کنند، از چنین کاری صرف نظر کنند و آنرا در مقابل عوض پیشنهاد شده به شرکت مزبور بفروشند و پول آنرا به عنوان مال خود یا مال پدر در بین خودشان تقسیم نمایند. اما، نمی‌دانند که آیا اجازه چنین کاری را دارند و آیا این عمل آنها موافق با شرع و قانون است؟ یا نه.

همزمان با قضیه بالا تعدادی از وابستگان بیماران کلیوی و قلبی نیازمند به پیوند اعضا، به ورثه آقای «ج» مراجعه کرده و ضمن ابراز همدردی با آنها و طلب غفران برای پدرشان، با اتکال به خداوند یگانه از آنها برای نجات جان بیمارانشان یاری جسته و پیشنهاد می‌کنند که ورثه آقای «ج» اعضای بدن پدرشان را بر پایه قرارداد هبه معوض یا غیر معوض به بیماران آنها ببخشند، تا آنکه با پیوند اعضای مزبور به بدن بیماران، آنها از مرگ نجات یابند و با به دست آوردن سلامتی خود، به زندگی ادامه دهند. ورثه آقای «ج» با انگیزه نوع دوستی، علاقمندند که با این پیشنهاد موافقت نمایند. اما، نمی‌دانند که آیا این عمل آنها از نظر شرعی و حقوقی چگونه وضعیتی دارد؟

آقای «د» قبل از مرگ نسبت به امور معینی وصیت کرده است، و در بندی از وصیت‌نامه، وصیت کرده که ورثه، جنازه وی را برای آموزش دانشجویان رشته پزشکی یا پیشبرد امور تحقیقاتی در اختیار مراکز پزشکی قرار دهند تا از جسد وی برای تشریح استفاده شود. همچنین وصیت کرده است، در صورتی که دچار مرگ مغزی شد، بدن ایشان در اختیار مراکز پزشکی قرار گیرد تا اعضای آن جهت درمان بیماران نیازمند به آنها اهدا شود. آقای «د» فوت می‌کند و ورثه وی با مطالعه وصیت‌نامه از وصیت پدر در این باره مطلع می‌شوند، اما در صحت چنین وصیتی تردید دارند و نمی‌دانند وصیت مزبور از نظر شرعی و حقوقی صحیح است تا ملزم به اجرای آن باشند یا اینکه این وصیت درست و لازم الاجراء نیست و در نتیجه ملزم به اجرای آن نخواهند بود.

پدیده‌های حقوقی فوق و موارد بسیار دیگری، شبیه به آنها وجود دارد که بیانگر، نیاز به زندگی اجتماعی و همچنین وابستگی انسانها به ارتباط، همیاری و همکاری با دیگر هموعان است. این ارتباطات و همکاریها که با ساختاری ساده در جوامع خرد ابتدایی پا به عرصه وجود گذاشته است، امروزه در اثر توسعه جوامع، گسترش گسترده دانشهای متعدد، تحولات گسترده فنون و صنایع، پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و تعامل نظامهای حقوقی متفاوت با یکدیگر دگرگونیهای بسیاری پیدا کرده است و باعث شده تا ساختار روابط اشخاص حقیقی و حقوقی با یکدیگر در سطح داخلی و بین المللی پیچیده گردد و بر گستره‌های آن افزوده شود، تا بدان پایه که امروزه جامعه کلان و وسیعی به بزرگی جهان از سویی و تکالیف، ارتباطات و همکاریهای پیچیده فردی، جمعی و جهانی از سوی دیگر

اندیشه بشر را به خود مشغول ساخته است.

فرآیند این تحولات و پیشرفت‌ها، علاوه بر آنکه موضوعات جدیدی را بوجود آورده است، موجب شده تا بسیاری از اعمال حقوقی گذشته و در شمار آنها «رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن» نیز دارای مفاهیم تازه شود. فرآیندهای مزبور با بهره‌مندی از نتایج راهبردی و کاربردی بیشتر، اهمیت‌های فراوانی برای آنها ایجاد کرده است. علاوه بر آنکه جایگاه نوینی که با قبل تفاوت‌های زیادی دارد، نیز برای موضوعات مزبور متصور و فراهم ساخته است.

این موضوعات در عصر کنونی، دیگر در حاشیه و کناره مطالعات و تحقیقات به عنوان مسائلی فرعی و بدون ثمره عملی قرار ندارد، بلکه به عکس، به صورت مسائلی مبنایی با کارآیی‌های چندگانه در آمده و به متن اصلی مطالعات و تحقیقات مراکز عملی راه یافته است. آن گونه‌ایی که در شمار موضوعات بسیار با اهمیت، برای پاره‌ای از رشته‌های علمی، مطالعاتی و پژوهشی مبدل شده و حتی در برخی موارد دامنه مطالعاتی و پژوهشی آن به شکل عنوانی مستقل و موضوعی با سرفصل‌های خاص، توسعه یافته است و اکنون در مراکز علمی و پژوهشی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

پیشرفت‌های دانش پزشکی در زمینه کشف فرمول ساختمانی انسان، شناسایی ساختار ترکیبات پیکر انسان، شناسایی کرموزمها و ژنها، تشخیص جهش‌های ژنی، تولید سلول‌های بنیادی، توانایی بر شبیه‌سازی، انجام تلقیح مصنوعی، پرورش جنین‌ها و فرزندان آزمایشگاهی، نگهداری اسپرم برای مدت بسیار طولانی، دستیابی به راه‌های تشخیص بیماری‌ها، شناسایی تنوع عوامل بیماری، توسعه راه‌های درمان، افزایش گستره عمل‌های جراحی، جداسازی اعضای بدن، پیوند اعضا جداساده نمونه‌ای از این پیشرفت‌ها است که مسایل حقوقی جدیدی به ویژه در حقوق پزشکی از قبیل اعمال حقوقی خرید و فروش، اجاره رحم جایگزین، هبه اعضای بدن یا فرآورده‌های آن، وصیت نسبت به اعضای بدن، وضعیت حقوقی اعضا و رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن را به وجود آورده است.

وضعیت مسایل مزبور به دلیل مستحدثه بودن، نیاز به بررسی دارد و بی‌تردید دانش پژوهان دانش‌های متعددی مانند فلسفه، زیست‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اخلاق، فقه و حقوق می‌توانند به طور جداگانه یا میان رشته‌ای به آنها بپردازند، اما دو دانش فقه و حقوق به دلیل بررسی مشروعیت آنها، برای انجام چنین بررسی‌هایی از اولویت برخوردار می‌باشد و حتی می‌توان ادعا کرد که از این لحاظ در گستره تخصصی آنها است. بر اساس این، فقها و حقوقدانان کوشیده‌اند تا با استفاده از مبنای نظام حقوقی خود وضعیت‌های مزبور را بررسی و همچنین نظام حقوقی خود را در رهگذر تحولات مزبور، پا به پای آن به شکلی مناسب، منطقی و هماهنگ با مقتضیات زمان به پیش برند و میزان کارآمدی آن را ارتقا دهند.

این نوشتار نیز با این هدف نگاشته شده است و نگارنده تلاش کرده است تا با اتکال و استعانت از خداوند سبحان و بهره‌وری از راهنمایی‌های ارزنده اساتید ارجمند از میان موضوعات مزبور، موضوع «رابطه حقوق انسان با اعضای بدن» را به دلیل اهمیت مبانی آن برای پاره دیگری از مباحث با توجه به مبانی دانشهای فقه امامیه و حقوق ایران و در گستره پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد بررسی کند.

۲. انگیزه انتخاب موضوع

امروزه تمامی رشته‌های حقوقی اعم از حقوق خصوصی، جزا، حقوق عمومی و بین‌الملل و همچنین نظام حقوقی فقه، در اثر پیشرفتهای و تحولاتی که اختصاراً به پاره‌ای از آنها اشاره شد، با مسایلی جدید بسیاری مواجه گردیده است.

مسایلی همچون تغییر اوضاع و احوال قراردادهای، ثمن شناور، بیع زمانی، کاهش ارزش پول، مسئولیتهای ناشی از وسایل نقلیه، مسئولیتهای ناشی از تولید کالاهای پرخطر، حقوق مصرف‌کننده، تجارت الکترونیک، تجارت بین‌المللی کالاهای، قراردادهای استاندارد یا الحاقی، وضعیت حقوقی اعضای بدن، رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن خویش، استفاده از رحم جایگزین، فرزندان آزمایشگاهی، قرارداد زندگی مشترک، خرید و فروش اعضای بدن، و وصیت نسبت به اعضای بدن تنها بخشی از مسایلی است که رشته حقوق خصوصی با آنها مواجه گردیده است.

بدیهی است که بررسیهای مطالعاتی و پژوهشی درباره تمامی این پدیده‌های حقوقی ضروری و سودمند است و می‌تواند علاوه بر آنکه وقایع و اعمال حقوقی افراد را سامان دهد، ساختار مطالعاتی و غنای نظام حقوقی آن جامعه را ارتقا دهد و بر پویایی و کارایی آن بیش از زمانهای دیگر بیفزاید، تا بدان پایه که به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه و پیشرفت آن جامعه مورد محاسبه قرار گیرد.

هر چند در سال ۱۳۷۹ با تصویب قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است به تعدادی از سؤالات مطروحه پاسخ داده شد لکن هنوز هم نکات مهمی وجود دارد که باید تحلیل فقهی و حقوقی آن پاسخ مناسبی برای آن یافت.

۳. روش تحقیق

طرح و بررسی مباحث در این پایان‌نامه به شیوه «کاربردی» و «تألیفی» خواهد بود و بر پایه روش تحقیقهای «اسنادی» و به طور تطبیقی بین فقه امامیه و حقوق ایران بررسی می‌شود.

تلاش می‌شود تا آنجا که ممکن است، نخست به نظریه‌های فقهی و حقوقی متناسب با موضوع بحث پرداخته شود و در اندازه توانایی، نظریه پردازی‌های ضروری مناسب نیز صورت پذیرد. این تلاش بدان امید است که با عنایت خداوند سبحان نوشتاری در حدّ توان، سزاوار استفاده برای مراکز علمی، پژوهشی و قانونگذاری فراهم آید و علاوه بر آنکه برای مطالعه اساتید، پژوهشگران، دانشجویان دوره‌های مختلف اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته‌های حقوق، فقه و پزشکی و همچنین دانش پژوهان حوزه‌های علمیه و دیگر خوانندگان محترم سودمند واقع شود، در زمینه تدوین طرحها، لوایح و قانونگذاری از سوی قوای قضائیه، مجریه و مقننه نیز به کار آید.

با تمام اهمیتهایی که هریک از انواع تلاشهای پژوهشی مانند «تحقیق و تصحیح نسخ خطی»، «ترجمه» و «گردآوری» می‌تواند برای رشد و بالندگی گستره‌های علمی و پژوهشی بشر و در شمار آنها حقوق پزشکی و به ویژه موضوع «وضعیت حقوقی اعضای بدن» و «رابطه حقوق انسان با اعضای بدن» داشته باشد، شیوه «تألیفی» برای این نوشتار برگزیده شده است و شیوه مزبور با استفاده از منابع کتابخانه‌ای معتبر نگاشته شده در دو دانش فقه امامیه و حقوق ایران و با ساختاری تطبیقی بین آن دو انجام خواهد شد.

با توجه به تلاشی که حقوقدانان و قانونگذار ایران در گذشته و حال برای رعایت مطابقت محتوای قوانین و حقوق با محتوای فقه امامیه و شرع داشته و دارند، پیش‌بینی می‌شود که اختلاف محتوایی عمده‌ای در بررسیهای تطبیقی این نوشتار وجود نداشته باشد، اما به نظر می‌رسد، با توجه به جدید بودن موضوع، تفاوت‌هایی در ساختار ادبیتی و یا میزان کمی و کیفی آنها وجود دارد، به این معنا که در یکی از آنها به موضوعی پرداخته شده و حکم آن تبیین شده باشد، حال آنکه در دیگری چنین نباشد و کاستی و نقصی در این باره، در آن موجود باشد. بنابراین، مطالعه و بررسی تطبیقی مزبور در این زمینه‌ها می‌تواند بسیار سودمند و مهم واقع شود، چراکه آنها می‌توانند مکمل یکدیگر باشند.

۴. پرسشها

موضوع «وضعیت حقوقی اعضای بدن» و «حقوق انسان بر آنها» موضوعی مبنایی است و بر اساس آن می‌توان وضعیت برخی از اعمال حقوقی دیگر مانند خرید و فروش اعضا، هدیه (هبه) و یا وصیت نسبت به آنها و نیز حقوق وراثت نسبت به آنها را تبیین کرد.

پرسشهای عمده‌ای که در این پایان‌نامه با توجه به موضوع و عنوان انتخابی آن مطرح است و سعی می‌شود تا با استفاده از مبانی و منابع حقوقی و فقهی پاسخ داده شود، به ترتیب زیر عبارت است از:

- الف. آیا اعضای بدن دارای مالیت و ارزش اقتصادی عرفی است؟
- ب. با فرض اینکه عرف اعضای بدن را دارای ارزش اقتصادی و مالیت بدانند، آیا قانونگذار نیز ارزش اقتصادی مزبور را معتبر می‌داند و دارای اعتبار قانونی است؟
- پ. در صورتی که بین مالیت اعتباری عرف و مالیت اعتباری قانونگذار تعارض وجود داشته باشد، حلّ تعارض به چه شیوه است؟
- ت. با فرض این که اعضای بدن دارای مالیت اعتباری قانونی نباشد، چه عاملی مانع چنین اعتباری می‌شود؟
- ث. آیا انسان مالک اعضای بدن خویش است؟
- ج. با فرضی که انسان مالک اعضای بدن خود باشد، نوع مالکیت مزبور چگونه است و سبب یا اسبابی که موجب تملک مزبور می‌شود، چیست؟
- چ. در صورتی که انسان مالک اعضای بدن خود نباشد، چه مانعی برای مالکیت وی بر اعضای بدنش وجود دارد؟
- ح. آیا انسان نسبت به اعضای بدنش از حق انتفاع بر خوردار است؟
- خ. با فرض آنکه حق انتفاع مزبور برای انسان ثابت شود، سبب یا عللی که آنرا ایجاد می‌کند چیست؟
- د. با فرض اثبات چنین حق انتفاعی، ماهیت آن چگونه است؟
- ذ. با فرض اثبات حق انتفاع مزبور، آیا می‌توان آن را در حال حیات یا بعد از مرگ به دیگری انتقال داد؟ اگر نمی‌شود، علت آن چیست؟
- ر. آیا رابطه حقوقی انسان با اعضای بدنش می‌تواند از نوع حق ارتفاق باشد؟
- ز. آیا انسان در زمان حیات می‌تواند اعضای بدن خود را منتقل نماید؟
- ژ. در صورت امکان انتقال آیا تمامی اعضاء قابلیت انتقال را دارند یا برخی از اعضاء مانند این خصوصیتند؟
- س. آیا اعضای بدن انسان پس از مرگ قابل جداسازی و انتقال است؟
- ش. آیا انسان می‌تواند برای پس از مرگ راجع به اعضایش تصمیم‌گیری کند؟
- ص. در صورت عدم وصیت میت وراثت چه حقی بر اعضای بدن میت دارند؟
- ض. آیا قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یابیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است پاسخگوی نیازهای امروز جامعه است؟

۵. فرضیات

با توجه به مباحثی که درباره این موضوع مطرح می‌باشد و در متن نوشتار به تفصیل بررسی خواهد شد، به نظر می‌رسد، فرضیه‌های زیر می‌تواند در مورد «حقوق انسان بر اعضای بدن» و «رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن» متصور باشد:

الف. اعضای بدن انسان بر پایه اینکه می‌توان آنها را جداکرد یا نه دو قسم می‌شود، اعضایی که جداسازی آنها از بدن دارای منع شرعی و حقوقی است و اعضایی که جداسازی آنها از بدن منع شرعی و حقوقی ندارد. وضعیت حقوقی هر یک به تناسب تقسیم بندی فوق تفاوت می‌کند. به این گونه که قسم اول، از نظر فقهی، حقوقی مالیت و ارزش اقتصادی ندارد و نمی‌توان آنها را موضوع قرارداد و متعلق آن تعیین کرد، حال آنکه قسم دوم چنین نیست و می‌توان آنها را موضوع قرارداد اعم از معاوضی و غیرمعاوضی قرار داد. ب. رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن از نوع حق مالکیت است. اما این نوع از مالکیت دارای چهره خاصی است و متفاوت از مالکیت های مرسوم در جامعه است.

ج. انتقال آن دسته از اعضای بدن که قابلیت جداسازی را داشته و موجب مرگ یا نقص عضو دهنده آن نشود جایز است ولی آن دسته از اعضا که جداسازی آن باعث مرگ دهنده یا نقص عضو وی می‌شود جایز نیست. د. انسان می‌تواند نسبت به اعضای بدن خود وصیت کند با عنایت به مالیت اعضای بدن این وصیت از نوع تملیکی است.

ه. در صورت عدم وصیت میت، وراثت نیز این حق را دارا هستند که در مورد اعضای بدن وی تصمیم‌گیری نمایند.

۶. معرفی مباحث

این نوشتار دارای یک مقدمه، چهار فصل، نتیجه‌گیری و پیوسته‌هایی است.

فصل اول دارای ماهیتی مقدماتی است و به مفاهیم و تقسیمات پاره‌ای از اصطلاحات و مباحث اختصاص دارد. این فصل نیز دارای چهار بخش «وقایع، اعمال و روابط حقوقی» و «انسان و مفهوم آن» «منابع تأمین عضو برای پیوند و تأثیر پیوند اعضا بر سلامتی دهنده عضو» می‌باشد. سعی می‌شود تا در زیر مجموعه بخشهای مرتبط به این بخشها، به مفاهیم و تقسیماتی مانند وقایع، اعمال، رابطه حقوقی و همچنین انسان مفهوم آن، منابع مختلف تأمین عضو برای پیوند اعم از انسان زنده، جسد و مبتلایان مرگ مغزی و نیز تقسیم بندی اعضای بدن بر اساس تأثیری که

انتقال آنها بر سلامتی دهنده عضو دارد و در تبیین موضوع بحث تأثیرگذار است و در مباحث بعدی نیز کاربرد بسیاری دارد، پرداخته شود و جایگاه آنها و همچنین ارتباط آنها با یکدیگر مشخص شود.

فصل دوم به وضعیت حقوقی اعضا و رابطه حقوقی انسان با آنها اختصاص دارد. این فصل نیز دارای دو بخش «وضعیت حقوقی اعضا» و «رابطه حقوقی انسان با اعضا» می‌باشد. بخش اول: «وضعیت حقوقی اعضا» نیز به دو قسم «قابلیت موضوع حق مالی بودن اعضا»، «قابلیت موضوع حق غیر مالی بودن اعضا» تقسیم و به مفهوم و ادله هر یک می‌پردازد. بخش دوم: «رابطه حقوقی انسان با اعضا» نیز به سه قسم «مالکیت اعضا»، «حق انتفاع اعضا» و «حق ارتفاق اعضا» تقسیم و به این می‌پردازد که رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن خویش می‌تواند کدامیک از این موارد باشد و اسباب و عللی که بر این موضوع دلالت دارد، کدام است؟

فصل سوم به امکان نقل و انتقال اعضای بدن می‌پردازد. انتقال اعضا در زمان حیات در بخش اول بررسی می‌شود اعضای بدن از جهت تأثیری که بر سلامت دهند عضو دارند به اعضای رئیسی (اصلی) و اعضای غیر رئیسی (فرعی) تقسیم می‌شوند و امکان انتقال هر یک در گفتاری جداگانه بررسی می‌شود در گفتار دوم در مورد حالت ضرورت با عنایت به تأثیر زیاد آن در قسمت‌های مختلف به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد

بخش دوم مربوط به امکان انتقال اعضا پس از مرگ است در گفتار اول وصیت نسبت به اعضا و در گفتار دوم امکان انتقال اعضای میت توسط وراثت بررسی می‌شود

فصل چهارم نیز بعنوان فصل پایانی راجع به تحلیل قانون «پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است» می‌باشد.

فصول مذکور و بخشهای زیر مجموعه مرتبط با آنها امکان اثبات فرضیه‌های بیان شده را بررسی و همچنین در مورد پاسخ برای پرسشهای مطرح شده در این باره است.

فصل اول: مفاهیم و تقسیمات

۱-۱: وقایع، اعمال و روابط حقوقی

۲-۱: انسان و مفهوم آن

۳-۱: منابع تأمین عضو برای پیوند

۴-۱: تأثیر پیوند اعضا بر سلامتی دهنده عضو